

نظامی گنجوی

هنر نظامی در ایجاز و اطناب و آوردن لغات و اصطلاحات علوم و فنون و ترکیبات بدیع

شبللی نعمان شاعر و نویسنده هندی در کتاب شعرالمجم چند مزیت و خصوصیت برای شعر نظامی ذکر کرده است. از آن جمله:

۱ - جامعیت ۲ - بلاغت ۳ - نیروی سخن ۴ - استعارات و تشبیهات نغز و مرغوب ۵ - ابتکار و قوت تخیل.

در پیرامون جامعیت می گوید که: شعرای نامدار دیگر از قبیل: فردوسی، سعدی و حافظ هر کدام در نوعی از شعر شهرت دارند ولی نظامی در انواع و فنون شعر: رزمی، بزمی، فلسفی و اخلاقی دارای احاطه و قدرت است.

درباره نیروی سخن بدین گونه اظهار نظر میکند: شعرای قبل از نظامی شعرشان محدود بسلاست و روانی و لطافت بوده است اما نظامی مبتکر استواری و متانت جمله ها و شکوه و عظمت الفاظ است. الفاظ و عباراتی که در اشعار نظامی آورده شده است باندازه بی خوب و سلس و دلکش است که در اشعار شاعران دیگر کمتر نظیر آنها را می توان یافت.

در زمینه قدرت تخیل چنین توضیح می دهد: قوت تخیل و نیروی ایجاد و ابتکار نظامی حیرت انگیز است. در طرح يك حکایت و قصه و در نظم و ترتیب مطالب باندازه بی بدایع و ظرایف ابتکاری و تخیلی دارد که کمال قدرت او را می رساند. پرفسور ژان ریپکا J. Rypka. ۱ خاورشناس و نویسنده بنام، اهل چکوسلواکی که درباره نظامی کارهای تحقیقی بسیار انجام داده و مثنوی هفت پیکر را خلاصه و بفرانسه ترجمه کرده است، درباره اهمیت نظامی در مقدمه کتاب چنین نوشته است: (۱)

« بعضی از مردم فقط از نظامی نامی شنیده ولی بی بمقام عالی او نبرده اند. اینکه مردم عصر ما چنانکه باید و شاید نتوانسته اند نظامی را بشناسند دلیل کم ارزشی نظامی نمی شود بلکه دلیل بر عدم قابلیت مردم عصر ما می شود که نتوانسته اند او را فرا خور مقام و مرتبه اش بشناسند. »

موضوعی که نظامی شناس چک بدان اشاره کرده است، حقیقت دارد، زیرا شهرت نظامی در خارج از مرزهای ایران و نزد خاور شناسان دیرتر از آوازه شاعران همپایه او

مانند: فردوسی، سعدی و حافظ پیدا شده است ولی این موضوع دلیل نیست بر اینکه ارزش شعر نظامی کمتر از ارزش شعر شاعران همپایه او بوده است بلکه شاید علت اصلی در چگونگی اشعار خود او باشد.

در اشعار نظامی دو خاصیت و امتیاز وجود دارد که فهم آنها را بر غیر فارسی زبانان، حتی بر عامه فارسی زبانان دشوار می‌سازد: یکی دقت و ظرافت معانی و مضامین و تشبیهات و استعارات دقیق و لطیف و دیگر آوردن الفاظ و ترکیبات نادر و بدیع مخصوص بخود و ذکر اصطلاحات و عبارات مربوط به علوم و فنون گوناگون و اقتباس از آیات قرآن کریم و احادیث و اخبار و بیان عقاید حکیمان و فیلسوفان که فهم آنها جز برای استادان زبان فارسی و آشنایان بعلم و فلسفه اسلامی و فرهنگ ایرانی دشوار است.

بحث درین گفتار در پیرامون دو امتیاز مخصوص شعر نظامی است که یکی مربوط به نیروی اندیشه و خلاقیت طبع و قدرت تخیل اوست در دوزخ متضاد به این معنی که گاهی در وصف موضوع جاننداری از قبیل انسان یا اسب یا گور یا در وصف مظاهر طبیعت مانند: شب، بهار، آسمان یا وصف مجالس بزم و شادی و گلهای و ریاحین و منظره سوختن زغال و شعله آتش در زمستان سخن را چنان بدرازا می‌کشد و نکات تازه و تشبیهات و اوصاف نغز یکی پس از دیگری مسلسل وار می‌آورد که گویی برای چشمه جوشان طبع و تخیل او هیچ خشکی و پابانی نیست و گاهی همین شاعر توانا و چیره دست که در اطناب و بسط سخن بدان پایه است، چنان در اختصار و ایجاز سخن تواناست که قصه بی را در یک یا دوسه بیت می‌آورد و داستان اسکندر را که در دو مثنوی: شرفنامه و اقبالنامه با چنان شرح و تفصیل آورده است در دو صفحه خلاصه می‌کند و معانی بسیار را در الفاظی کم می‌گنجاند.

اینکه شاعر و سخنوری بدین گونه در دو مرز سخن چیره دست باشد، کمال قدرت و تسلط و احاطه او را بر بیان مقصود و تنوع در کیفیت بیان می‌رساند.

امتیاز دیگر اشعار نظامی اشتمال آنهاست بر گنجینه بی از لغات مفرد و ترکیبات شیوا و اصطلاحات بسیاری از علوم و فنون و نامهای اشخاص و اشیاء از قبیل: اصطلاحات نجوم و هیئت و نام دستگاههای موسیقی اصیل ایرانی و نام گلهای و ریاحین و نامهای اعلام از زنان و مردان که امروز نیز برای نامگذاری بسیار زیبا و شایسته است.

دانستن این اصطلاحات و نامها همه نویسندگان و پژوهشگران زبان و فرهنگ ایرانی را همیشه بکار می‌آید. نظامی با آوردن این گونه لغات و ترکیبات و اصطلاحات و تعبیرات خدمت بزرگی بگسترش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی و حفظ و بقاء این گنجینه پر بهاء کرده است.

اکنون بعنوان شاهد و مثال نمونه‌هایی از دو نوع امتیازی که برای شعر نظامی ذکر شد آورده می‌شود:

الف - وصف و بسط سخن

(وصف بهار و بزم شادی خسرو)

ز سبزه برکشد بیخ جوانی

چو پیر سبز پوش آسمانی

بنفشه بر طماوسی برارد
 بسا عشق کهن کان تازه گردد
 بگلها بردرید از خرمی پوست
 سپاه فناخته بر باغ می زد
 بنفشه در خمار و سرخ گل مست
 صلا در داده کار افتادگان را
 زده بر گاو چشمی پیل گوش
 شقایق مهد مرزنگوش گشته
 ز عشق لاله پیراهن دریده
 گشاده باد ، نسرين را بنا گوش
 شگرفان شکوفه شانه در موی
 بگرد سبزه بسا مادر بیازی
 ریاحین در تذران پر نشانده
 گرفته هر گلی بر کف نثاری
 شکیب عاشقان را داده تاراج
 خطا باشد خطا ، بی عشق بازی

گل از گل تخت کاوسی برارد
 بسا مرغا که عشق آوازه گردد
 چو از خرم بهار و خرمی دوست
 گل از شادی علم در باغ می زد
 سمن ساقی و نرگس جام در دست
 صبا برقع گشاده مادگان را
 شمال انگیخته هر سو خروسی
 زمین نطع شقایق پوش گشته
 سهی سرو از چمن قامت کشیده
 بنفشه تاب زلف افکنده بر دوش
 عروسان ریاحین دست بر روی
 غزال شیر مست از دل نوازی
 تذران بر ریاحین برفشانده
 ز هر شاخی شکفته نو بهاری
 نوای بلبل و آوای دراج
 چنین فصلی بدین عاشق نوازی

ب - ایجاز و اختصار :

در فشرده‌گی و ایجاز گاهی نظامی سخن را بعد اعلا‌ی قدرت طبع و تسلط بر تعبیر می‌رساند چنانکه معانی بسیاری را در الفاظی کم و عبارتی کوتاه می‌آورد . فی المثل قصه‌یی را در بیته‌ی ایراد می‌کند.

به گنجینه‌یی مفلسی راه برد
 بیفتاد و از شادمانی بمرد
 خری آبکش بود و خیکش درید
 کری بنده غم خورد و خر می‌دوید
 چنین گفت با آتش آتش پرست
 که از ماکه بهتر بجایی که هست؟
 بگفت آتش ار خواهی آموختن
 ترا کشت باید مرا سوختن
 داستانی لطیف و گفتگویی میان دو بیوه در سه بیت :

دو بیوه بهم گفتگو ساختند
 سخن را بطعنه در انداختند
 یکی گفت کز زشتی روی تو
 نگردد کسی در جهان شوی تو
 دگر گفت نیکو سخن گفته‌یی
 تو در خانه از نیکویی مانده‌یی

مضامین فراوان و افکار بلند در يك بيت :

چون تو همایی شرف کار باش
 کم خورو کم گوی و کم آزار باش
 تخم ادب چیست ؟ وفا کاشتن
 حق وفا چیست ؟ نکه داشتن

گفت بیاور بمن ای تیز هوش _____ گفت چه؟ گفتا زرگفتا خموش
 پیغمبر گفت : علم علمان _____ علم الادیان و علم الابدان
 چون شیر بخود سپه شکن باش _____ فرزند خصال خویشتم باش
 یکی جفت همتا ترا بس بود _____ که بسیار کس مرد ، بی کس بود

اصلاحات و نام آهنگهای موسیقی اصیل ایران

در مثنوی خسرو و شیرین نظامی، نام سی لحن از آهنگهای موسیقی را آورده و گویا هر لحنی مخصوص یکی از سی روز هر ماه بوده است که خنیاگران برای خسرو پرویز می - نواخته اند .

ز صد دستان که او را بود دمساز گزیده کرد سی لحن خوش آواز*
 آن گاه نام لحنها را بترتیب می آورد : گنج باد آورد - گنج ساخته - شادروان -
 تخت طاقدیس - مشکویه - سبزدرسبز - سر و سهی - رامش جان - فرخ روز
 کین سیاوش - کین ایرج ، نامهای الحان موسیقی باستانی ایران بیشتر اقتباس از
 آثار و مفاخر تاریخی ایرانیان بوده است یا اشاره بیکی از حوادث و پیش آمدهای تاریخی .
 ه - پاره‌یی از لغات مفرد که استعمال آنها هنوز نویسندگان را بکار آید :

مغنی را که پارنجی بدادی بهر دستان کم از گنجی ندادی
 بتان از سر سر آغج باز کردند دگرگون خدمتش را ساز کردند
 فهرست جمال هفت پرگار از هفت خلیفه جامگی خوار
 که ریخت سرشک بر چینش که روی نهاد بر سرینش
 چون من به کریچه و گیایی قبانغ شده ام بهر ابا یی
 در دفتر عاشقان خنیمده زخم دف مطربان چشیده
 باز بانگ اندر افتاد به هوز آهو آزاد شد ز پنجه یوز
 دمه پیکان ابدار بدست چشم را سفت و چشمه را می بست
 وز نمودار خانه تا بفریش کرده همرنگ روی گنبد خویش
 یعنی از پرده تا فرش همرا به رنگ گنبد کرده بود . فریش فارسی شده فراش عربی است .
 درای شتر خاست زان کوچگاه سراهنگ لشکر در آمد براه
 نمونش بهر سنگجویی سپرد که تا راه داند بدان سنگ برد

* استاد محترم ابیاتی را که این اسامی در آنها آمده آورده که نقل نشد و بدین سان اسامی گلها را .

به از پای ازین پایه بیرون نهم نهین برین دیگه پر خون نهم
 نژاده منم دیگران زیر دست نژاد کیان را که یارد شکست ؟
 و - ترکیبات نغز و اصطلاحات سودمند

نشستند کشور خدایان بهم سخن شد ز هر کشوری بیش و کم
 بسبب ناله تلخ زندانیان بقندیل محراب روحانیان
 ره انجام را زیرین رام کرد چو انجام در آن ره کم آرام کرد
 ظاهراً از ترکیبات خاص نظامی به معنی اسب
 تویی گوهر آمای چار آخشیج مسلل کن گوهران در مزیح
 سوی زرخ آمد ز دریا کنار بدریای مطلق بر افکند بار
 نواحی شناسان آب آزمای هر اسنده گشتند از آن ژرف جای
 ز رهنامه چون باز جستند از سوی باز برگشتن آمد نیاز
 ز خاقان پرسید کاین شهر کیست؟ بر رهنامه در، نام این شهر چیست؟
 ره نامه = نقشه جغرافیائی
 جهان مرزبان کارفرمای دهر در آورد لشکر بنزدیک شهر
 هم سیم خدا و هم قوی پشت خلقی سوی او کشیده انگشت
 گرمابه زد و لباس پوشید آرام گرفت و باده نوشید
 نقشبند آمد و قلم برداشت صورت شاه و ازدها بنگاشت

مجله یغما : بجاست فرهنگستان زبان به این اصطلاحات توجه خاص فرماید .
 «گرمابه زد» بجای «حمام کرد» ، «ره نامه» بجای «نقشه جغرافیا» باید کتاب خواند و لغت
 یافت .

